

تاریخ



مسائل و

زیباشناسی

مونروسی بیردزلی

جان هاسپرس

ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی

## فهرست

### تاریخ زیباشناسی

#### افلاطون

- ۲ ..... هنر و صنعت  
۳ ..... تقلید  
۴ ..... زیبایی  
۶ ..... هنر و دانش  
۷ ..... هنر و اخلاق

#### ارسطو

- ۸ ..... هنر شعر  
۱۰ ..... لذت تقلید  
۱۰ ..... لذت زیبایی  
۱۱ ..... کلی  
۱۲ ..... کاتارسیس

#### فیلسوفان متأخر دوره کهن

- ۱۳ ..... رواقیان  
۱۴ ..... اپیکوریان  
۱۵ ..... افلوپین

#### قرون وسطی

- ۱۹ ..... قدیس اوگوستین  
۲۰ ..... قدیس توماس آکویناس  
۲۲ ..... نظریه تأویل

عصر رنسانس

عصر روشنگری: عقل‌گرایی دکارتی

- ۲۸ ..... مسئله قواعد  
 ۲۹ ..... به سوی زیباشناسی واحد

عصر روشنگری: تجربه‌گرایی

- ۳۱ ..... قوه خیال  
 ۳۳ ..... مسئله ذوق  
 ۳۶ ..... کیفیات زیباشناختی

ایده‌آلیسم آلمانی

- ۳۹ ..... تحلیل کانت از احکام ذوق  
 ۴۰ ..... مسئله اعتبار داشتن  
 ۴۲ ..... نظر کانت درباره‌ی والا  
 ۴۳ ..... شیلر  
 ۴۴ ..... شلینگ  
 ۴۵ ..... هگل

مکتب رومانتیک

- ۴۶ ..... بیان عاطفی  
 ۴۶ ..... قوه خیال  
 ۴۷ ..... اندامواری  
 ۴۸ ..... نمادگرایی  
 ۴۸ ..... شوپنهاور  
 ۵۰ ..... نیچه

هنرمند و جامعه

- ۵۰ ..... هنر برای هنر  
 ۵۱ ..... واقع‌گرایی  
 ۵۲ ..... مسئولیت اجتماعی  
 ۵۳ ..... تولستوی

تحولات معاصر

- ۵۴ ..... نظریه‌های مابعدالطبیعی  
 ۵۵ ..... طبیعت‌گرایی  
 ۵۷ ..... رویکردهای معناشناختی  
 ۵۹ ..... مارکسیسم - لنینیسم  
 ۶۱ ..... پدیدارشناسی و فلسفه وجودی  
 ۶۳ ..... تجربه‌گرایی  
 ۶۵ ..... کتابنامه

مسائل زیباشناسی

زیباشناسی

- ۷۵ ..... نگرشهای زیباشناختی و غیر زیباشناختی  
 ۸۰ ..... دیگر معیارهای نگرش زیباشناختی  
 ۸۸ ..... انکار نگرش زیباشناختی متمایز

فلسفه هنر

- ۹۳ ..... طبقه‌بندی هنرها  
 ۹۷ ..... مفاهیم و واسطه‌ها  
 ۱۰۱ ..... جنبه‌های اثر هنری  
 ۱۰۹ ..... زمینه‌نگری در برابر اثرنگری  
 ۱۱۴ ..... نظریه‌های هنر  
 ۱۲۶ ..... هنر و حقیقت  
 ۱۳۱ ..... هنر و اخلاق  
 ۱۴۰ ..... تعریف هنر

ارزش زیباشناختی

- ۱۴۵ ..... نظریه‌های فاعلیت‌گرا  
 ۱۵۰ ..... نظریه‌های عینیت‌گرا  
 ۱۵۷ ..... کتابنامه

# تاریخ زیباشناسی<sup>۱</sup>

مونروسی بیردزلی

تاریخ اندیشه فلسفی نظاموار در خصوص هنرها، در غرب، با افلاطون آغاز می‌شود. اما این را که به دستاورد بزرگ او در این خصوص چه اندیشه‌هایی تقدّم داشتند یا زمینه آن را فراهم آوردند، ما فقط می‌توانیم حدس بزنیم.

بدین ترتیب، حکم زیباشناختی مشهور هومر در خصوص تصویر منقش بر سپر آخیلس مبنی بر اینکه «اثر شگفت‌انگیزی بود» (ایلیاد، ۱۸، ۵۴۸) — اگر چنین بوده باشد — اشاره است به آغاز شگفتی در باب تقلید، یعنی نسبت موجود میان باز نمود و شیء یا نمود و واقعیت. افلاطون نتایج زیباشناختی تفکرات پارمنیدس و دموکریتوس را در باب این مسئله نشان می‌دهد. به علاوه، ارتقای هومر و هسیود به مقام حکیم و پیش‌بین و آموزگاران اخلاق و دین، آن‌گاه که کسنوفانس و هراکلیتس آنها را به واسطه جهل فلسفی‌شان و بد نمایاندن خدایان به باد حمله گرفتند، به نزاع بر سر حقیقت شعر منتهی شد. هومر و هسیود مسئله منبع الهام هنرمند را نیز مطرح کردند و آن را به قدرت الهی نسبت دادند (ادیسه، ۸؛ *Theogony*، ۲۲ به بعد). پیندار این موهبت را از خدایان دانست، اما روا شمرد که شاعر با سعی خود مهارتش را کامل

۱. ترجمه‌ای است از:

کند. فیثاغورس و طریقت وی وابستگی فواصل گام‌های موسیقی به نسبت طول سیم یا زه را کشف کردند و این کشف را به نظریه‌ای دربارهٔ عناصر عالم تعمیم دادند و کوشیدند که نظریه‌ای درمانی و اخلاقی عرضه کنند که به زعم آنها قادر به تقویت یا بازگرداندن «هارمونی / آلفت» به نفس فرد بود. می‌بایست توجه داشت که «هارمونی» لفظی است برای فاصلهٔ نخست موسیقی، اکتاو.

### افلاطون

افلاطون تقریباً همهٔ مسائل بنیادی زیباشناسی را مطرح کرد و برخی از آنها را عمیقاً مورد بررسی قرار داد. پرسش‌هایی که او مطرح کرد و استدلال‌هایی که او آورد به نحو حیرت‌آوری متنوع و عمیق‌اند. اینها در سراسر محاورات او پراکنده‌اند. اما بحث‌های اصلی در این محاورات آمده است: الف. ایون، مهمانی، جمهوری که به دورهٔ نخست زندگی افلاطون متعلق‌اند، یعنی دورهٔ قبل از آکادمی (تقریباً ۳۹۹ تا ۳۸۷ ق.م)؛ ب. سوفیست و قوانین که در پایان زندگی‌اش نوشته (تقریباً ۳۶۷ تا ۳۴۸ / ۳۴۷ ق.م)؛ ج. فایدروس که میان این دوره‌ها قرار دارد. هیپاس بزرگ با اینکه شاید از افلاطون نباشد بسیار افلاطونی است و می‌توان آن را در این گروه جای داد. (در این مقاله هیچ تمایزی میان آرای افلاطون و آرای سقراط قائل نخواهیم شد.)

هنر و صناعت: امروز وقتی که از زیباشناسی افلاطون سخن می‌گوییم، مقصودمان نظرهای فلسفی او در خصوص هنرهای زیبایی است که او بحث می‌کند: هنرهای بصری (نقاشی، پیکر سازی، معماری)، هنرهای ادبی (حماسه، غزل، شعر نمایشی)؛ و هنرهای آمیخته با موسیقی (رقص و آواز). اما افلاطون برای اینها نام خاصی نمی‌گذارد؛ در نزد او همهٔ اینها متعلق به طبقهٔ عام‌تری هستند که

«صناعت» («تخنه» / technē) گفته می‌شود و شامل همهٔ مهارت‌هایی است که می‌سازند یا انجام می‌دهند؛ از نجاری گرفته تا سیاستمداری. افلاطون در سوفیست (۲۶۵-۲۶۶) صناعات را به «اکتسابی» و «تولیدی» تقسیم می‌کند و صناعت تولیدی را نیز تقسیم می‌کند به: ۱. تولید اشیای واقعی، که می‌تواند انسانی باشد یا الهی (گیاهان و عناصری که خدا می‌آفریند و خانه‌ها و چاقوهایی که انسان می‌سازد)؛ و ۲. تولید «صورت‌های محسوس یا خیالی» («آیدولا» / idola) که آن نیز می‌تواند انسانی باشد یا الهی (تأملات و رؤیاهایی که خدا می‌آفریند؛ تصاویری که انسان‌ها می‌کشند). تصاویر تقلیدی از اصل‌هایشان هستند، اما وظیفهٔ آنها را نمی‌توانند انجام دهند و اینها تقسیم می‌شوند به: ۱. شباهت اصیل («آیکن» / eikon)، با همان خصوصیات سرمشق یا ۲. شباهت ظاهری یا نمود («فانتاسما» / phantasma)، که فقط مانند اصل به‌نظر می‌آید (مانند وقتی که معمار ستون‌های بنا را در نوک فربه می‌سازد تا آنها کوچک‌تر از بقیه به‌نظر نیایند). پس تقلید کاذب و باطل نیز وجود دارد که عبارت است از ساختن تصاویر فریب‌آمیز. ولی افلاطون حفظ این تمایز را مایهٔ دردسر می‌یابد، زیرا این امر در ذات هر تقلیدی نهفته است که به نحوی فروتر از اصل خود باشد؛ اگر کامل بود که تصویر (eidolon) نبود، بلکه نمونهٔ دیگری از همان شیء می‌بود. یعنی تخت‌خواب یا چاقوی دیگری (کراتولوس، ۴۳۲). بنابراین، هر تقلیدی، به معنایی، هم حقیقی است و هم غیرحقیقی؛ هم موجود است و هم معدوم (سوفیست، ۲۴۰ ج.).

تقلید: لفظ «تقلید» («میمه‌زیس» / mimesis) یکی از پردردسرت‌ترین مصطلحات در زیباشناسی افلاطون است، زیرا معنای اصلی آن پیوسته با حرکت دیالکتیکی قبض و بسط می‌یابد و به همین سان است مترادف‌های نزدیک و جانشین آن، یعنی: «متکسیس» / methexis